

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ





پایه هفتم
دوره‌ی اوّل متوسطه پیش حرفه‌ای



سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

تعلیمات دینے - پایہ ہفتم دورہ اول متوسطہ پیش حرفہ ای - کد ۵۷۰۲۱

سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

معاونت برنامه ریزی آموزشی و توان بخشی

ملکه حلاج دهقانی، روزیتا گودرزی، فاطمه بور، مسعود نیک صفت و پدرام حکیمزاده

(اعضای گروہ تألیف)

اداره چاپ و انتشارات سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - امیر نساجی (مدیر هنری، طراح گرافیک و طراح

جلد) - زہرا محمد نظامی (امور فنی)۔ شہر زادقنبری (صفحہ آرا) - حمید ثابت کلاچاہی،

راحله زادفتح اله (امور فنی رایانه‌ای)- زینت بهشتی شیرازی (آماده‌سازی) - سپیده

ملک ایزدی (تصحیح)

تهران: خیابان انقلاب - خیابان برادران مظفر، شماره ۶۶، تلفن: ۶۶۹۷۰۴۵۵،

کدیستی: ۱۴۱۶۹۳۵۶۸۴

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان

۶۱ (دار و بخش) تلفن: ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دو، نگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰.

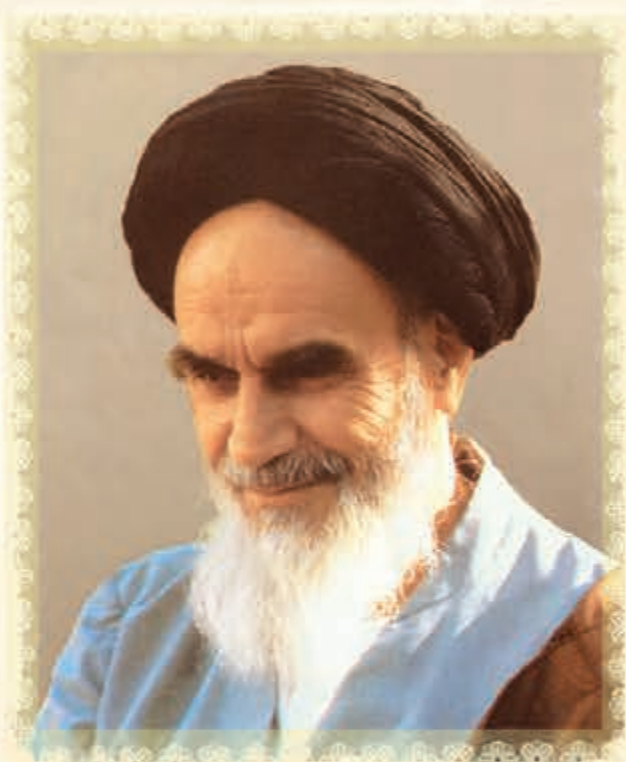
صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

جای چہار دہم ۱۴۰۵

برای دریافت فایل pdf کتاب‌های درسی به نشانی www.chap.sch.ir مراجعه نمایید.

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور است و هر گونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



امام خمینی بسیار مرتب بودند، یعنی از آن ساعت صبح که از خواب بیدار می شدند هیچ کارشان بدون برنامه نبود، هیچ وقت بدون برنامه زندگی نکردند. مطالعه شان سر ساعت بود، استراحتشان سر ساعت، خوابشان سر ساعت، به رادیو گوش کردنشان سر ساعت، و خلاصه تمام کارهایشان حتی عبادتشان سر ساعت بود.

مقدمه

فرایند تولید برنامه درسی مجموعه فعالیت‌های نظام‌مند و طرح‌ریزی شده‌ای است، که تلاش دارد ابعاد چهارگانه، زیر نظام برنامه درسی (طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی) را در یک فعالیت منسجم، هماهنگ با غایت و اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی سازماندهی نماید.

در تدوین محتوای کتب دانش‌آموزان با نیازهای ویژه که بخشی از فرایند برنامه‌ریزی درسی است، سعی شده تا ملاحظات ساحت‌های تربیتی حاکم بر فلسفه تعلیم و تربیت که ناظر بر رشد و توانمندی دانش‌آموزان برای درک و فهم دانش پایه و عمومی، کسب مهارت‌های دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است، مورد توجه قرار گیرد. این محتوا با فراهم نمودن فرصت‌های مناسب برنامه درسی ضمن تأکید بر انعطاف در عین ثبات و همه‌جانبه‌نگری و توجه به هویت ویژه متربیان با نیازهای خاص، زمینه‌ساز دستیابی دانش‌آموزان به کسب شایستگی‌های لازم (توانمندی‌ها، مهارت‌ها) می‌باشد.

امید است این محتوا در تحقق اهداف مؤثر باشد و معلمان عزیز و گرامی با بهره‌گیری از این کتاب بتوانند فراگیران را در دستیابی به صلاحیت‌های فردی و اجتماعی یاری نمایند.

این کار بزرگ حاصل همکاری صمیمانه کارشناسان سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی و گروه‌های تألیف کتاب‌های درسی می‌باشد، شایسته است از تلاش و مساعی این عزیزان و همکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت متبوع که در مراحل چاپ و آماده‌سازی ما را یاری داده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

در اینجا از همه همکاران و صاحب‌نظران درخواست می‌نمایم، تا نظرات و پیشنهادهای خود را در خصوص این محتوا به این سازمان منعکس نمایند.

معاون وزیر و رئیس سازمان

آموزش و پرورش استثنایی کشور

سخنی با مربیان

معلم عزیز و گرامی

برای آموزش مناسب و کارآمد این کتاب توجه شما را به ویژگی‌های ساختار آن جلب می‌کنیم :

۱- تعداد دروس براساس سرفصل‌ها و مفاهیم اساسی درس دینی تنظیم گردیده است، این مفاهیم شامل خداشناسی، نبوت، معاد، امامت و رهبری، احکام و عبادات و اخلاق اسلامی می‌باشد.

۲- در آموزش مفاهیم دینی با توجه به زمینه‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان استفاده از شیوه‌های مختلف ادبیات مانند داستان، شعر، نمایش و... بسیار مؤثر است بنابراین در تهیه کتاب‌های جدید سعی گردیده است تا ضمن پرهیز از روش یک‌سویه و دستوری مطالب درسی در قالب داستان‌هایی با تصویر مناسب، شعر و فعالیت‌های تکمیلی دیگری ارائه گردد تا به معلم امکان فراهم آوردن زمینه مشارکت و فعالیت دانش‌آموزان را بدهد.

۳- در این کتاب سعی شده عناوین و متن دروس ساده و در حد فهم و حوصله دانش‌آموزان با نیازهای ویژه باشد و از به‌کارگیری عبارات و جملات طولانی پرهیز شود. تا حد ممکن از کلمات مشکل و ناآشنا کمتر استفاده شده و در صورت به‌کارگیری این کلمات معنی شده است.

۴- در این کتاب به مفاهیم درس‌های دیگر مانند علوم، فارسی، اجتماعی و هنر نیز توجه گردیده است و به این ترتیب ارتباط افقی آن با سایر دروس حفظ شده، هم‌چنین مفاهیم ارائه شده در امتداد آموزش‌های دوره ابتدایی بوده و زمینه‌ای برای دوره متوسطه می‌باشد.

۵- اشعار مندرج در کتاب در جهت روان خوانی و ایجاد انبساط خاطر دانش آموزان بوده و لزومی به حفظ اشعار نیست.

۶- در طراحی و تدوین تمرینات اساس کار بر این بوده که آن‌ها متنوع و جذاب باشند و در پرسش و پاسخ صرف محدود نگردند و فعالیت‌های دانش آموزان در این زمینه با توجه به برداشت و خلاقیت‌های فردی ارائه گردد. این تمرینات در قالب عناوینی مانند پاسخ دهید، فکر کن و کامل کن، حالا برایم بگو، اکنون می‌توانی، بیش‌تر بیاموزیم و... طراحی شده است.

۷- برای ارائه اطلاعات بیش‌تر در زمینه مفاهیم ارائه شده در درس از پیام‌های قرآنی، احادیث، مطالبی تحت عنوان برای خواندن استفاده شده است.

۸- جهت ایجاد فضای معنوی و ارتباط با خالق هستی از بخش‌هایی تحت عنوان با هم دعا کنیم بهره گرفته است.

۹- با توجه به تفاوت شرایط اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی دانش آموزان در پایان هر درس بخشی تحت عنوان فعالیت پیشنهادی معلم در نظر گرفته شده که معلم می‌تواند با توجه به این شرایط هر نوع فعالیتی را که مناسب می‌داند طراحی کند.

نکاتی در مورد شیوه‌های تدریس

همکار گرامی

آشنایی با روش‌های تدریس و به‌کارگیری آن‌ها موجب می‌شود که اهداف تعلیم و تربیت با سهولت بیش‌تر و در مدت زمان کوتاه‌تر تحقق یابد. معلم در زمینه‌ی تعلیم و تربیت دانش آموزان نقش مؤثری دارد. او برای موفقیت در امر آموزش لازم است از شیوه‌ها و روش‌های جالب و متنوع آموزشی و پرورشی آگاهی کافی داشته باشد.

روش‌های پیشنهادی برای آموزش دینی به شرح زیر است :

روش دیداری و شنیداری (سمعی و بصری) طریق ارائه الگوی مناسب، داستان‌گویی، پرسش و پاسخ، توضیحی، گردش علمی؛ نمایش تمثیلی نمایش‌نامه‌ای (ایفای نقش) روش‌های دیگری که هر معلم با توجه به خلاقیت‌های خود می‌تواند ابداع کند. البته بهترین شیوه در آموزش دینی بهره‌گیری از روش تلفیقی یا به هم آمیخته است.

ارزشیابی

توانایی دانش‌آموزان و میزان دستیابی آن‌ها به اهداف موردنظر باید به‌طور پیوسته ارزشیابی شود. ارزشیابی به دو صورت مستمر و پایانی صورت می‌گیرد و نمره‌ی نهایی میانگین حاصل از نمرات مستمر و پایانی خواهد بود. در قسمت تمرین‌ها، ارزشیابی فعالیت‌های پاسخ دهید و فکر کن و کامل کن به‌صورت مستمر و پایانی است. ولی ارزشیابی تمرین‌های حالا برایم بگو، اکنون می‌توانی، اکنون می‌توانی بگویی، جدول، بیش‌تر بیاموزیم (برای دانش‌آموزان توانمند) و فعالیت‌های پیشنهادی معلم فقط به‌صورت مستمر خواهد بود و عناوینی مانند پیامی از قرآن، برای خواندن، اشعار، با هم دعا کنیم مورد ارزشیابی قرار نمی‌گیرد. لازم به ذکر است همکاران گرامی جهت ارزشیابی ۱۵ نمره برای دروس دینی (به‌صورت کتبی) و ۵ نمره برای دروس قرآن (شفاهی) در نظر بگیرند.

فهرست

- درس اول — خدای بخشنده‌ی مهربان ۲
- مهربان‌تر از همه ۸
- درس دوم — دعوت پیامبر اسلام (۱) ۱۰
- درس سوم — دعوت پیامبر اسلام (۲) ۱۶
- درس چهارم — دعوت پیامبر اسلام (۳) ۲۲
- درس پنجم — کار خوب، نتیجه‌ی خوب ۲۶
- درس ششم — یار یتیمان و فقیران ۳۲

۳۸ مهربان‌تر از پدر

۴۰ درس هفتم — خوش اخلاقی و گذشت

۴۴ درس هشتم — پاکیزگی در اسلام

۴۸ درس نهم — سفری به قم

۵۴ درس دهم — نیکی به پدر و مادر

۶۰ درس یازدهم — امانت‌داری

۶۶ با هم دعا کنیم

درس اوّل



خدای بخشنده و مهربان

اوّلین جلسه‌ی درس دینی بود. دانش‌آموزان خوشحال بودند؛ چون بعد از چند ماه تعطیلی و دوری از هم، دوباره یک‌دیگر را می‌دیدند. بچه‌ها مشغول صحبت کردن با هم بودند که یکی از شاگردان آمدن معلم را به کلاس اعلام کرد و بچه‌ها همگی ساکت شدند.

معلم پس از وارد شدن به کلاس، با لبخندی به دانش‌آموزان سلام کرد و با خوشرویی گفت: «امیدوارم که حال همه‌ی شما خوب باشد و تابستان به همه‌ی شما خوش گذشته باشد. آیا موافقید اوّلین درس را با یک بازی شروع کنیم؟» بچه‌ها با خوشحالی گفتند: «بله. چه بازی؟» معلم گفت: «حالا برایتان می‌گویم. ابتدا تا جایی که می‌توانید نفس خود را نگه دارید بینیم چه کسی مدت بیش‌تری می‌تواند این کار را انجام دهد.» همه‌ی شاگردان این کار را انجام دادند ولی هیچ‌یک نتوانستند مدت زیادی بازی را ادامه دهند.

معلم گفت: «فکر می‌کنید چرا نتوانستید مدت زیادی نفس خود را نگه دارید؟»



علی گفت: «چون بینی و دهان خود را بسته بودیم.»

محسن گفت: «چون هوا به شش‌های ما نرسید.»

معلم گفت: «درست است بچه‌های عزیز. فکر کنید اگر هوا نبود آیا ما زنده می‌ماندیم. حالا بگویید، اگر خورشید نبود چه اتفاقی می‌افتاد.»

علی جواب داد: «همیشه شب بود و هیچ وقت زمین روشن نمی‌شد.»

حسن جواب داد: «هوا همیشه سرد بود.»

رضا گفت: «گیاهان به وجود نمی‌آمدند.»

معلم دوباره پرسید: «اگر آب نبود چه می‌شد؟»

محمد گفت: «آقا من از تشنگی زنده نمی‌ماندم.» بچه‌ها خندیدند. معلم گفت:

«آفرین! هیچ‌کس زنده نمی‌ماند حتی حیوانات و گیاهان نیز زنده نمی‌ماندند.»

اکبر گفت: «آقا همه چیز کثیف می‌شد و ما نمی‌توانستیم آلودگی‌ها را پاک کنیم.»

معلم گفت: «آفرین تمام چیزهایی را که گفتید درست است. به نظر شما چه کسی به فکر ما بوده است که این همه نعمت به ما بخشیده است؟»

بچه‌ها همگی گفتند: «خدای مهربان»

معلم گفت: «آری، خدای بخشنده‌ی مهربان به فکر ما بوده و از نیازهای ما خبر داشته است. وقتی انسان به نعمت‌های خدا توجه می‌کند، می‌فهمد که خدا چه قدر بخشنده و مهربان است؛ پس، ما باید قدر نعمت‌های او را بدانیم و شکرگزار^۱ نعمت‌هایش باشیم.»

۱- شکرگزار: کسی که خدا را شکر می‌کند.

پیامی از قرآن



«همه‌ی نعمت‌ها را خدا به ما بخشیده است.»

سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۵۳

پاسخ دهید



۱- دو مورد از نعمت‌های خداوند را نام ببرید.

۲- وقتی به نعمت‌های خدا توجه می‌کنیم، چه می‌فهمیم؟

فکر کن و کامل کن



— ما باید قدر نعمت‌های خدا را بدانیم و نعمت‌هایش باشیم.

..... حالا برایم بگو

چگونه می‌توانیم از آب درست استفاده کنیم؟ در این مورد با دوستان گفت‌وگو کن.

..... اکنون می‌توانی

در مورد یکی از نعمت‌های خداوند نقاشی زیبایی بکشی.



فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مهربان‌تر از همه^۱

ای خدای غنچه‌ها

ای خدای آسمان

ای خدای کوه و دشت

ای خدای مهربان

ای خدای ابر و ماه

ای خدای آفتاب

ای خدای سبزه‌ها

خالق گل و گلاب

هیچ کس در این جهان

مهربان‌تر از تو نیست

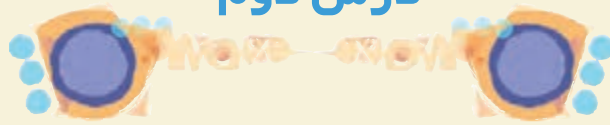
ای خدا به من بگو

مهربان‌تر از تو کیست؟

۱- شعر برگرفته از مجله‌ی رشد دانش‌آموز، بهمن‌ماه ۱۳۸۳.



درس دوم



دعوت پیامبر اسلام (۱)

زمانی که حضرت محمد (ص) به پیامبری انتخاب شد، تا سه سال مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت می کرد. در این مدت، پیامبر (ص) و یارانش نماز خود را در خانه، دور از چشم دیگران می خواندند. در آن زمان، مردم مکه بت پرست بودند؛ به همین دلیل، باید کم کم به خداپرستی دعوت می شدند.

بعد از سه سال، خداوند به پیامبر (ص) فرمان داد که افراد فامیل و آشنایان خود را به دین اسلام دعوت کند. پیامبر نیز به حضرت علی (ع) فرمود که افراد فامیل و آشنایان را به مهمانی دعوت کند.

در روز مهمانی، بعد از خوردن غذا پیامبر از مهمان ها خواست که بنشینند و به سخنانش گوش کنند. حضرت محمد (ص) به آنان فرمود: «من آخرین پیامبر خدا هستم؛ آمده ام تا راه درست زندگی کردن را به شما و همه ی انسان ها نشان دهم. اکنون چه کسی حاضر است دین اسلام را بپذیرد و در این راه به من کمک کند تا برادر و جانشین^۱ من باشد؟»

۱- جانشین: کسی که به جای کس دیگری انتخاب می شود و وظایف او را انجام می دهد.



مهمان‌ها همه ساکت ماندند و پاسخی ندادند. حضرت محمد (ص) سه بار این مطلب را تکرار کرد. هر سه بار، حضرت علی (ع) برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا، من یار شما هستم و حاضرم در همه‌ی کارها به شما کمک کنم.»

در این هنگام، پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را گرفت و به مهمان‌ها فرمود: «این نوجوان، برادر و جانشین من است. به حرف‌هایش گوش دهید و از او اطاعت کنید.» در آن مهمانی اولین کسی که به این دعوت پاسخ گفت حضرت علی (ع) بود.



پاسخ دهید



در روز مهمانی اولین کسی که حاضر شد یار پیامبر باشد چه کسی بود؟

جدول



با توجه به متن درس، پاسخ صحیح را علامت × بزن.

پیامبر (ص) چند سال مردم را پنهانی به دین اسلام دعوت کرد؟	پنج سال ☐	سه سال ☐
پیامبر (ص) چه کسانی را برای دعوت به اسلام به منزل دعوت کرد؟	فامیل و آشنایان ☐	افراد غریبه ☐
پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) را به چه عنوان هایی معرفی کرد؟	برادر و جانشین ☐	دوست و همراه ☐

برای خواندن



اولین مردی که دین اسلام را پذیرفت، حضرت علی (ع) بود؛ ایشان در دوره ی نوجوانی مسلمان شدند. هم چنین، اولین زنی که دین اسلام را پذیرفت، حضرت خدیجه (س)، همسر پیامبر (ص) بود.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

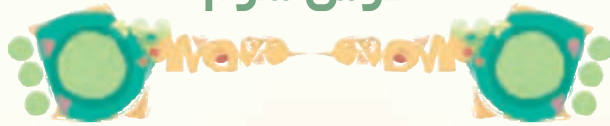
.....

.....

.....

.....

درس سوم



دعوت پیامبر اسلام (ص)

از هنگامی که حضرت محمد (ص) به دستور خدا دعوت به اسلام را آشکار کرد، روز به روز عده‌ی مسلمانان بیش‌تر شد.

بت‌پرستان و ستمگران^۱ که ثروت^۲ خود را در خطر می‌دیدند، تصمیم گرفتند کاری کنند تا پیامبر (ص) از دعوت خود دست بردارد؛ به همین دلیل، پیش ابوطالب، عموی پیامبر (ص)، رفتند و به او گفتند: «به محمد بگو از دشمنی با بت‌ها دست بردارد تا هر چه می‌خواهد به او بدهیم. اگر دنبال مقام است، ما حاضریم او را رئیس خود کنیم و اگر پول می‌خواهد، بگویم تا او را ثروتمندترین فرد کنیم؛ به شرط این که از دعوت به خداپرستی دست بردارد.»

ابوطالب سخنان بت‌پرستان را برای حضرت محمد (ص) گفت. آن حضرت در جواب فرمود: «برو به آن‌ها بگو که من ثروت و مقام نمی‌خواهم. خدا مرا به پیامبری

۱- ستمگران: کسانی که به دیگران زور می‌گویند و ستم می‌کنند.

۲- ثروت: پول، مال



انتخاب کرده است تا مردم را به دین اسلام دعوت کنم و راه درست زندگی کردن را به آنان نشان دهم.

عمو جان، به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارند، از دعوت به خداپرستی دست برنمی‌دارم.»
بت پرستان پیشنهاد خود را چند بار تکرار کردند، ولی پیامبر (ص) هر بار همان جواب را می‌داد.

پیامبر (ص) در راه پیروزی اسلام سختی‌های زیادی کشید، اما هرگز از دعوت به خداپرستی دست برنداشت.

ما مسلمانان نیز وظیفه داریم که راه پیامبر خود را ادامه دهیم و از او اطاعت کنیم و با ستمگران و کسانی که می‌خواهند ما را از راه درست زندگی کردن دور کنند، مبارزه کنیم.



پاسخ دهید



- ۱- بت پرستان برای این که پیامبر (ص) از دعوت مردم به اسلام دست بردارد، به او چه چیزهایی را پیشنهاد کردند؟
- ۲- آیا پیامبر پیشنهاد بت پرستان را پذیرفت؟
- ۳- وظیفه‌ی ما مسلمانان در مقابل ستمگران چیست؟

فکر کن و کامل کن



پیامبر در جواب بت پرستان فرمود: «اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارند، از دعوت به دست برنمی دارم.»

حالا برایم بگو.....



از این درس چه نتیجه‌هایی گرفته‌ای؟ در مورد آن با هم کلاسی‌هایت گفت و گو

کن.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس چهارم



دعوت پیامبر اسلام (ص)

وقتی بت پرستان دیدند که حضرت محمد (ص) حتی با پول و مقام هم از دعوت به اسلام دست برنمی‌دارد، شروع به آزار و اذیت او و یارانش کردند.

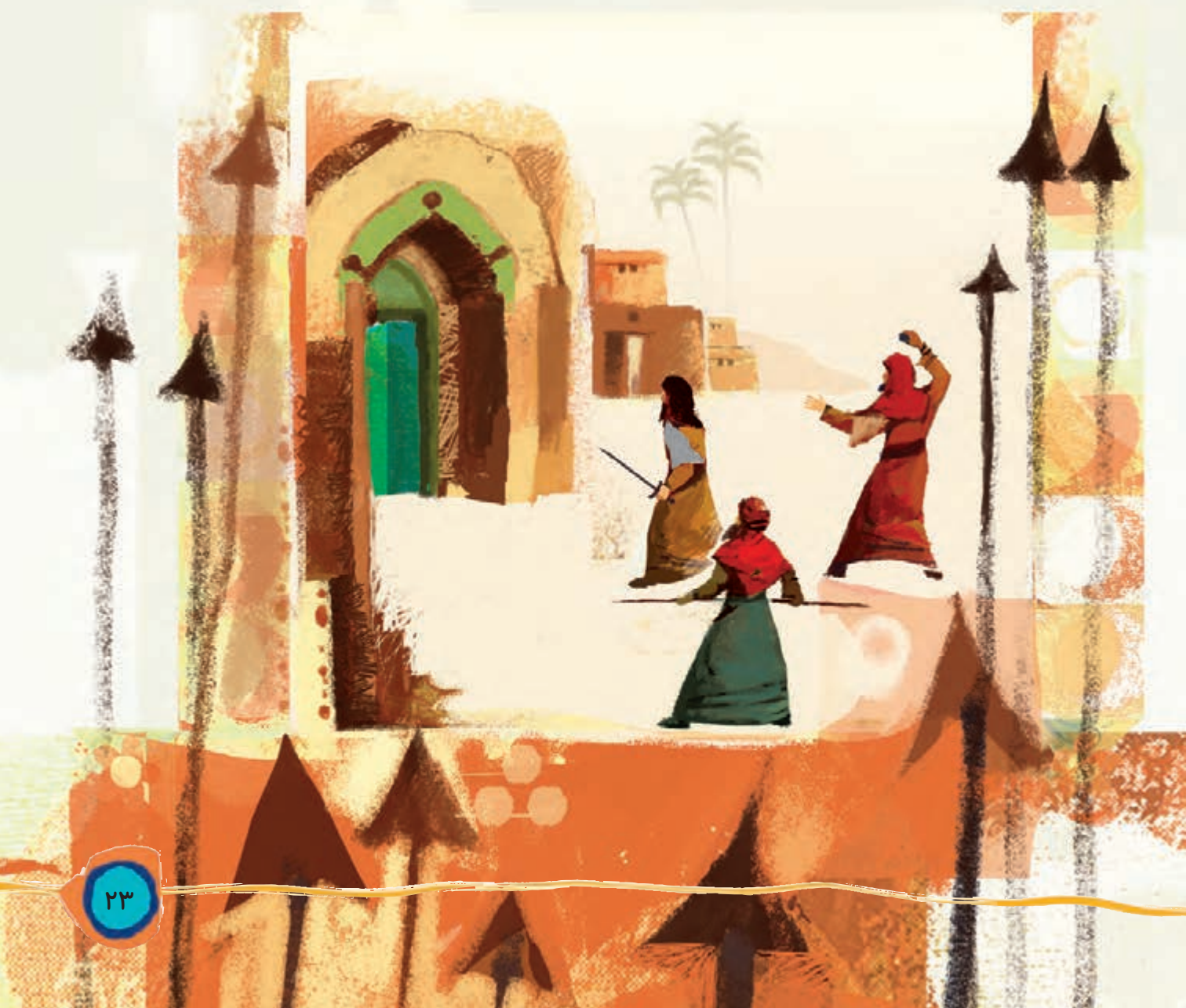
یک روز که پیامبر (ص) مردم را به خداپرستی دعوت می‌کرد، یکی از بت پرستان آن قدر به طرف او سنگ انداخت که از پاهای پیامبر (ص) خون جاری شد، اما آن حضرت از دعوت خود دست برنداشت و با صدای بلند گفت: «ای مردم، بگویید خدایی جز خدای بزرگ نیست تا خوشبخت شوید.»

در آغاز اسلام، عده‌ی مسلمانان بسیار کم بود و بیش‌تر آن‌ها کارگر و فقیر بودند که به خدا و پیامبر (ص) ایمان آورده و مسلمان شده بودند؛ به همین دلیل، بت پرستان مکه مسلمانان را مسخره می‌کردند و به آن‌ها حرف‌های زشت می‌گفتند و آن‌ها را در کوه و بیابان زیر آفتاب گرم و سوزان^۱ نگه می‌داشتند. بت پرستان با این آزار و اذیت‌ها می‌خواستند که مسلمانان دوباره بت پرست شوند ولی آن‌ها در این راه، صبر و مقاومت^۲ کردند و از ایمان به خدا و اطاعت از پیامبر دست برنداشتند.

۱- سوزان: بسیار گرم، داغ

۲- مقاومت: ایستادگی

وقتی پیامبر آزار و اذیت بت پرستان را می دید، به یاران خود می فرمود: «صبر کنید و بدانید که خدا با شماست و سرانجام اسلام پیروز خواهد شد.»



پاسخ دهید



- ۱- وقتی بت پرستان دیدند که پیامبر (ص) با پول و مقام هم، از دعوت به اسلام دست برنمی دارد، چه کردند؟
- ۲- چرا بت پرستان، مسلمانان را آزار و اذیت می کردند؟
- ۳- دو مورد از آزار و اذیت های بت پرستان را بیان کنید.

فکر کن و کامل کن



پیامبر (ص) به یاران خود فرمود: «..... کنید و بدانید که خدا با شماست.»

نمایش فیلم



در صورت امکان، بخش هایی از فیلم «محمد رسول الله» را در کلاس برای دانش آموزان نمایش دهید.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس پنجم



کار خوب، نتیجه‌ی خوب



به مزرعه‌ی این مرد نگاه کنید.

مزرعه‌ی او خشک و بی‌حاصل است و آباد نیست.

در فصل تابستان که دهقانان، میوه‌های باغ خود را می‌چینند، مزرعه‌ی او

میوه و محصول ندارد. او غمگین است.

به نظر شما، چرا این مرد ناراحت و غمگین است؟



حالا این باغ زیبا را تماشا کنید.

این باغ علی آقا است.

درخت هایش بزرگ شده و میوه داده اند.

علی آقا میوه ها را می چیند، خودش و دیگران از آن ها استفاده می کنند.

او خوشحال است.

به نظر شما، چرا علی آقا خوشحال است؟

بعضی وقت‌ها به سبب کاری که انجام داده‌ایم، خوشحال و راضی و گاهی اوقات، ناراحت و پشیمان هستیم.

بچه‌ها، یادتان باشد هر کس به اندازه‌ی تلاشی که می‌کند، نتیجه می‌گیرد.
دنیا هم مزرعه‌ی آخرت است؛ یعنی، هر کس در دنیا کار خوب انجام دهد در جهان آخرت نتیجه‌ی خوب می‌گیرد.



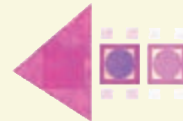
پیامی از قرآن



هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای کار خوب انجام دهد، نتیجه‌ی آن را می‌بیند.

سوره‌ی زلزله، آیه‌ی ۷

پاسخ دهید



— «دنیا مزرعه‌ی آخرت است»، یعنی چه؟

فکر کن و کامل کن



هر کس به اندازه‌ی تلاشی که می‌کند، می‌گیرد.

اکنون می‌توانی بگویی



— چه کارهای خوبی تا به حال انجام داده‌ای؟

— دوست داری چه کارهای خوب دیگری انجام دهی؟

برای تصاویر یک جمله بنویس و درباره‌ی آن‌ها با دوستان گفت‌وگو کن.



.....

.....



.....

.....

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس ششم



یار یتیمان و فقیران

حضرت علی (ع) در یکی از کوچه‌های مدینه به سوی مسجد در حرکت بود. ناگاه، زنی را دید که ظرف آبی را بر دوش گرفته است و به خانه می‌برد. زن خسته بود. امام برای کمک به زن، به طرفش رفت و ظرف آب را از او گرفت تا برایش به خانه ببرد. وقتی به خانه‌ی آن زن رسیدند، حضرت علی (ع) از او پرسید: «چگونه زندگی را می‌گذرانی؟»

زن پاسخ داد: «همسرم در یکی از جنگ‌ها شهید^۱ شده است. من چند کودک یتیم دارم و زندگی را به سختی می‌گذرانم.»

حضرت علی (ع) پس از شنیدن حرف‌های زن، بسیار ناراحت و غمگین شد. فردای آن روز، امام (ع) سبدی پر از آرد، گوشت و خرما تهیه کرد و به خانه‌ی آن زن رفت. وقتی به خانه‌ی او رسید، در زد و با اجازه‌ی صاحب‌خانه، وارد خانه شد. بچه‌ها گرسنه بودند. حضرت علی (ع) به مادر بچه‌ها گفت: «شما آرد را خمیر کن و نان پز،

شهید: کسی که در راه خدا جنگیده و کشته شده است.



من هم از بچه‌ها نگهداری می‌کنم.»

حضرت علی (ع) از غذایی که آورده بود در دهان بچه‌ها می‌گذاشت و از آن‌ها عذرخواهی می‌کرد که تاکنون از حالشان بی‌خبر مانده بود. کودکان غذا خوردند و سیر و خوشحال شدند. بعد از آن روز، امام (ع) گاهی اوقات به منزل آن‌ها می‌رفت و برایشان نان و غذا می‌برد.

حضرت علی (ع) همیشه به یتیمان^۱ و فقیران کمک می‌کرد.



۱- یتیمان: کسانی که پدر یا مادر خود را از دست داده‌اند.

سختی از بزرگان

پیامبر اکرم (ص) فرموده است :
کسی که به یتیم احترام بگذارد، در بهشت با من هم نشین است.

فکر کن و کامل کن

حضرت علی (ع) همیشه به و فقیران کمک می کرد.

حالا برایم بگو.....

— از داستان درس چه نتیجه ای می گیری؟ در این مورد با دوستان خود گفت و گو کن.

— چگونه می توانیم علاقه ی خود را به حضرت علی (ع) نشان دهیم؟



مطالبی در مورد خصوصیات اخلاقی حضرت علی (ع) تهیه کنی و در کلاس برای دوستان بخوانی.



حضرت علی (ع) امام اوّل ما شیعیان است. ایشان در سیزدهم ماه رجب، در شهر مکه در خانه‌ی کعبه به دنیا آمد. پدرش، ابوطالب و مادرش، فاطمه دختر اسد نام داشت.

امام علی (ع) پسر عموی پیامبر(ص) بود و از کودکی در خانه‌ی پیامبر(ص) و زیر نظر ایشان تربیت شد.

یکی از کارهای خوب حضرت علی (ع) آن بود که شب‌ها بدون آن که کسی با خبر شود، برای افراد فقیر و یتیم غذا می‌برد و در کارهای‌شان به آن‌ها کمک می‌کرد.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مهربان‌تر از پدر^۱

باز از علی بگو
قصه‌ای قشنگ و راست
قصه از کسی که خود
قصه هست و ماجراست

از کسی بگو که بود
مهربان‌تر از پدر
می‌شد از غم یتیم
چشم او ز گریه‌تر

از کسی بگو که بود
مثل آفتاب، گرم
مثل آب، عزیز و پاک
مثل گل، لطیف و نرم

از کسی که قصه‌اش
بهترین قصه‌هاست
خوش به حال ما که او
اولین امام ماست

شاعر: «نسرین صمصامی»

۱- برگرفته از مجله‌ی دوست، مرداد ماه ۱۳۸۵.



درس هفتم



خوش اخلاقی و گذشت

روزی، مرد مسافری به مدینه آمد. امام حسن (ع) را در کوچه دید و او را شناخت. به امام (ع) سلام نکرد و نسبت به او و حضرت علی (ع) بدگویی^۱ کرد. امام حسن (ع) هیچ نگفت؛ صبر کرد تا آن مرد ساکت شد. آنگاه، به او سلام کرد و با مهربانی حال او را پرسید و فرمود: آن چه درباره‌ی من و پدرم گفتی درست نیست. فکر می‌کنم حرف‌های دشمنان، تو را فریب داده است؛^۲ پس، من تو را می‌بخشم. از تو خواهش می‌کنم که به منزل من بیایی و مهمان من باشی. اگر به چیزی هم احتیاج داشتی، بگو تا برایت فراهم کنم.

آن مرد وقتی خوش اخلاقی و گذشت امام حسن (ع) را دید، از حرف‌های خود شرم‌منده شد و گفت: من حالا فهمیدم که تو امام و جانشین پیغمبر هستی. خدا بهتر می‌داند که چه کسی را امام قرار دهد. من فکر می‌کردم که تو و پدرت بدترین مردم هستید، ولی اکنون فهمیدم که اشتباه می‌کردم و شما بهترین مردم روی زمین اید. سپس آن مرد به منزل امام حسن (ع) رفت و مهمان امام شد. پس از مدتی، آن مرد از یاران امام حسن (ع) شد. آیا می‌دانید چرا؟

۱- بدگویی: فحش و ناسزا، در مورد کسی بد گفتن.

۲- فریب داده است: گول زده است.



سخنی از بزرگان



امام حسن (ع) فرموده است :
هیچ چیز مانند خوش اخلاقی، زندگی را شیرین نمی کند.

فکر کن و کامل کن



- ۱- مرد مسافر وقتی و گذشتِ امام حسن (ع) را دید، از حرف های خود شرمنده شد.
- ۲- خدا بهتر می داند که چه کسی را قرار دهد.

حالا برایم بگو



چه درسی از این داستان آموخته ای؟ در مورد آن، با هم کلاسی هایت گفت و گو کن.

اکنون می توانی بگویی



- اگر کسی از روی نادانی به تو بدی کرد، چگونه با او رفتار می کنی؟
- تا به حال در مورد دوستانت چه گذشت هایی کرده ای؟

بیشتر بیاموزیم



مطالبی درباره ی گذشت و خوش رفتاری با دیگران تهیه کن و در چند جمله بنویس. سپس برای دوستانت در کلاس بخوان.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس هشتم

پاکیزگی در اسلام

یک روز جمعه، پدر امین در باغچه‌ی خانه‌شان باغبانی می‌کرد. امین هم در این کار به پدرش کمک می‌کرد. ناگهان، انگشت امین به وسیله‌ی سنگی تیز که در میان خاک بود، زخمی شد و از آن خون آمد. امین دردش گرفت و انگشتش را به لباسش مالید و لباسش خونی شد.

پدر امین که ماجرا را دید گفت: «امین جان، برو انگشت خود را بشوی و بعد با چسب زخم ببند. سپس، لباست را هم که خونی و نجس شده است، عوض کن.»

امین بعد از آن که زخمش را بست. از پدرش پرسید: «پدر جان، نجس شده یعنی چه؟»

پدر گفت: «یعنی آلوده و ناپاک شده است. پسر، در دین اسلام بعضی چیزها نجس‌اند؛ مثل: خون، ادرار، مدفوع، سگ و خوک و ...»

اگر بدن یا لباس ما با یکی از این چیزها نجس و آلوده شود باید آن را پاک کنیم.»

امین پرسید: «پدر اکنون که لباسم خونی شده است، چگونه آن را پاک کنم؟»

پدر گفت: «باید لباست را با آب تمیز بشویی تا پاک شود. آب یکی از مهم‌ترین پاک‌کننده‌هاست. ما بیشتر وقت‌ها برای پاک کردن چیزهای نجس و آلوده، از آب استفاده می‌کنیم.»

امین آن روز از پدرش درس بزرگی یاد گرفت؛ او بسیار خوشحال بود که مسلمان
است و دین خوبی دارد که تا این اندازه به پاکیزگی و سلامتی اهمیت می‌دهد.



پیامی از قرآن



خدا پاکیزگان را دوست دارد.

سوره ی توبه، آیه ی ۱۰۸

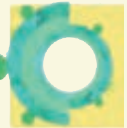
پاسخ دهید



۱- نجس یعنی چه؟

۲- سه مورد از چیزهایی را که در دین اسلام نجس و ناپاک هستند، نام ببرید.

فکر کن و کامل کن



یکی از مهم ترین پاک کننده ها، است.

اگر بدن یا لباس ما با یکی از چیزهای نجس آلوده شود، باید آن را کنیم.

اکنون می توانی بگویی



در چه مواردی پاکیزگی را رعایت می کنی؟

بیشتر بیاموزیم



در مورد چیزهایی که در دین اسلام پاک کننده هستند مطالبی را تهیه کرده و در این مورد با دوستانت گفت و گو کن.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس نهم

سفری به قم

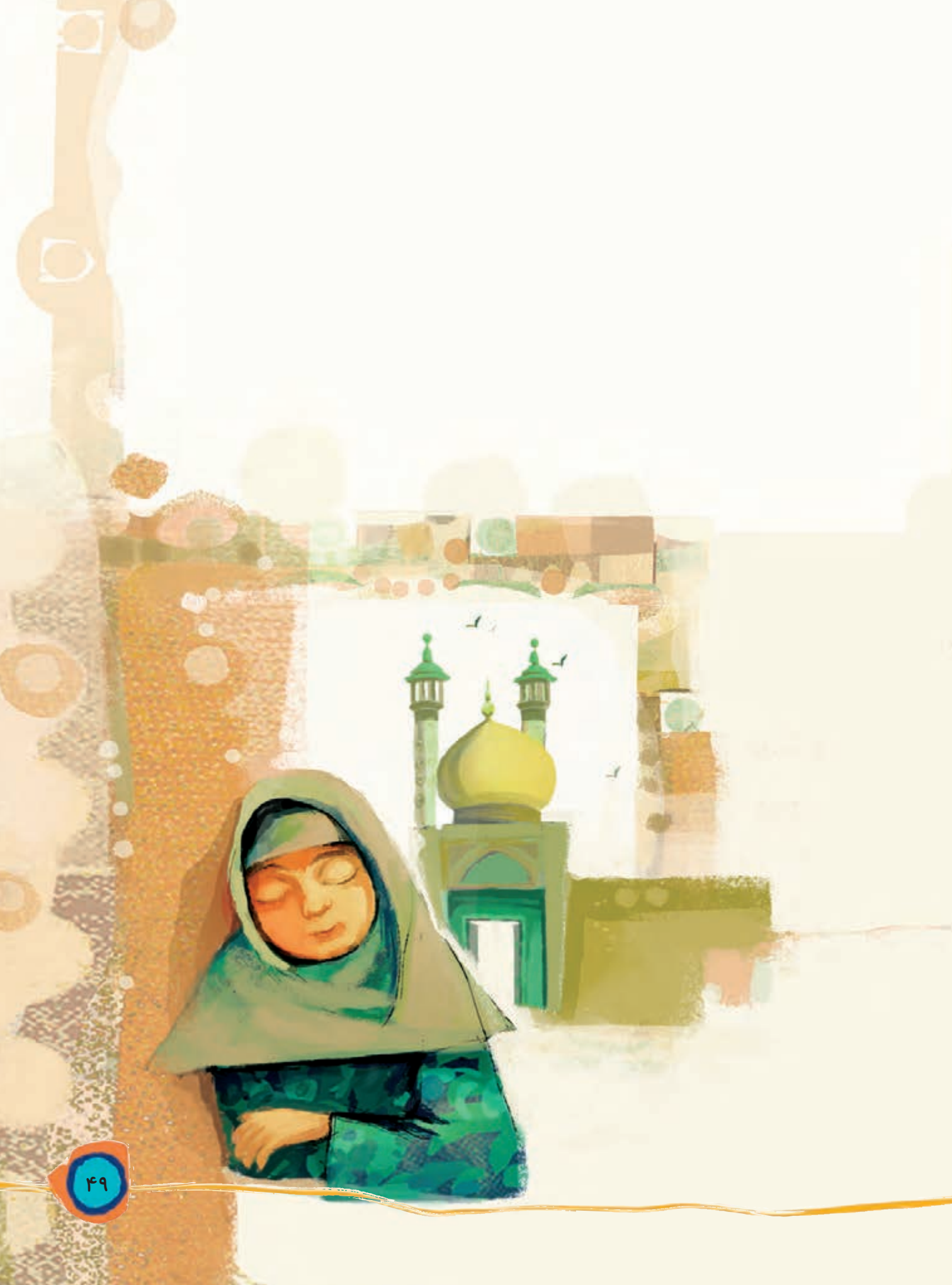
روز جمعه، لیلا و خانواده‌اش تصمیم گرفتند برای زیارت حضرت معصومه (س) به شهر قم بروند. آن‌ها پس از آماده شدن، سوار ماشین شدند و به طرف قم راه افتادند. لیلا در بین راه از مادرش پرسید: «مادر جان، حضرت معصومه (س) کیست؟»

مادر در جواب گفت: «او خواهر امام رضا (ع) و زنی بسیار با ایمان بود.»

در نزدیکی شهر قم، پدر گفت: «بهتر است بایستیم و کمی استراحت کنیم.»

آن‌ها بعد از توقف پیاده شدند، چای خوردند و استراحت کردند. لیلا به مادرش گفت: «مادر جان، من می‌خواهم وضو بگیرم و برای زیارت آماده شوم.»

مادر گفت: «آفرین دخترم، کار خوبی می‌کنی.» سپس لیلا و مادرش، هر دو، وضو گرفتند. پس از کمی استراحت، آن‌ها به راه خود ادامه دادند. لیلا در ماشین خوابش برد. مادر پس از مدتی، لیلا را صدا زد و گفت: دخترم بیدار شو به قم رسیدیم و می‌خواهیم پیاده شویم و به زیارت برویم.»



لیلا بیدار شد و به همراه پدر و مادرش به طرف حرم رفتند. مادر گفت: «لیلا جان، باید وضو بگیری.»

لیلا با تعجب گفت: «ولی من که وضو گرفته‌ام.»

مادر گفت: «چون در ماشین خوابت برده، وضویت باطل شده و باید دوباره وضو بگیری.»

لیلا پرسید: «مگر خوابیدن وضو را باطل می‌کند؟»

مادر پاسخ داد: «بله، چند چیز است که وضو را باطل می‌کند؛ مانند: خوابیدن،

خارج شدن ادرار و مدفوع، خارج شدن باد از شکم.»

پس از شنیدن حرف‌های مادر، لیلا دوباره وضو گرفت و همراه خانواده‌اش برای

زیارت، داخل حرم حضرت معصومه (س) شد.



سخنی از بزرگان



امام رضا (ع) فرموده است :

خداوند بندگان را به وضو گرفتن فرمان داده است تا پاکیزه شوند و سپس به عبادت پردازند.

پاسخ دهید



— سه مورد از کارهایی که وضو را باطل می‌کند، نام ببرید.

جدول



در جای مناسب علامت × بزن.

نادرست	درست	کارهایی که وضو را باطل می‌کند
		غذا خوردن
		خوابیدن
		خارج شدن ادرار و مدفوع
		خندیدن
		خارج شدن باد از شکم
		حرف زدن

اکنون می‌توانی

با توجه به این که در سال‌های قبل وضو گرفتن را یاد گرفته‌ای، وضو گرفتن صحیح را در کلاس برای دوستانت نشان دهی.

برای خواندن

حضرت معصومه (س)، فرزند امام موسی کاظم (ع) و خواهر امام رضا (ع)، است. ایشان یک سال بعد از این که امام رضا (ع) به خراسان رفتند، برای دیدن برادرشان به سوی آن سرزمین حرکت کردند اما در بین راه بیمار شدند و در شهر قم از دنیا رفتند. آرامگاه ایشان، محلّ زیارت مسلمانان است.

بیشتر بیاموزیم

با راهنمایی بزرگ‌ترها، در چند جمله بنویس که ما برای چه کارهایی وضو می‌گیریم.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس دهم



نیکی به پدر و مادر

در زمان امام جعفر صادق (ع) جوانی زندگی می‌کرد که نامش «زکریّا» بود. او و خانواده‌اش مسلمان نبودند. زکریّا کم‌کم با دین اسلام و قرآن آشنا شد و پس از مدتی مسلمان شد.

روزی زکریّا پیش امام صادق (ع) رفت و به ایشان گفت :
«خانواده‌ی من مسلمان نیستند، چگونه با آن‌ها رفتار کنم؟ مادری
پیر و ناتوان دارم که به کمک من احتیاج دارد. آیا می‌توانم به
او کمک کنم؟»

امام صادق (ع) فرمود : «اسلام دین مهربانی و محبت است و
سفارش می‌کند که یک مسلمان باید به پدر و مادر و همه‌ی افراد
خانواده احترام بگذارد. ای جوان، مواظب مادرت باش و تا
می‌توانی به او کمک کن. یادت باشد که هرگز به او بی‌احترامی
نکنی و با صدای بلند جوابش را ندهی.»



از آن روز به بعد، زکریّا بیش‌تر از قبل با مادرش مهربان و خوش‌رفتار بود. یک روز مادرش پرسید: «چه‌طور شده است که این قدر با من مهربان شده‌ای؟» زکریّا گفت: «مادر جان، من مسلمان شده‌ام و دین اسلام می‌گوید تا می‌توانید به پدر و مادر خود خوبی کنید.»

مادر گفت: «پسرم، پس دینِ تو بهترینِ دین‌هاست. مرا هم با دستورهای آن آشنا کن.» بدین ترتیب، مادر زکریّا نیز مسلمان شد.



پیامی از قرآن



به پدر و مادر خود نیکی کنید.

سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۵۱

با هم دعا کنیم



خدایا، به ما کمک کن تا با پدر و مادر خود مهربان باشیم.

پاسخ دهید



دین اسلام درباره‌ی رفتار با پدر و مادر چه سفارشی می‌کند؟

... فکر کن و کامل کن



امام صادق (ع) فرموده است: اسلام دین و محبت است.

. حالا برایم بگو.....

با چه کارهایی می‌توانیم پدر و مادر خود را خوشحال کنیم؟

اکنون می‌توانی.....

— در چند جمله بنویسی که چگونه به پدر و مادر خود احترام می‌گذاری. آن را در کلاس برای دوستان بخوان.

بیشتر بیاموزیم

ابتدا وضو بگیرد و سپس با راهنمایی بزرگ‌ترها، آیه‌ی ۲۳ از سوره‌ی اسراء را پیدا کنید و ترجمه‌ی آن را در کلاس برای دوستان خود بخوانید.

فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعَلِّم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس یازدهم



امانت داری

سارا و فاطمه با هم دوست بودند. یک روز در زنگ انشا، فاطمه یک کتاب داستان زیبا با خود به کلاس آورده بود. پس از این که چند نفر از شاگردان انشای خود را خواندند، فاطمه از معلم خود خواست تا اجازه دهد او کتاب داستان را برای بچه‌ها بخواند.

مدتی از شروع خواندن کتاب نگذشته بود که زنگ خورد و فاطمه نتوانست تمام قصه را برای دانش‌آموزان بخواند. سارا که از داستان خوشش آمده بود، به فاطمه گفت: «کتابت را به من می‌دهی تا به خانه ببرم و ادامه‌ی داستان را بخوانم؟»

فاطمه قبول کرد و گفت: «فقط مواظب باش تا کتابم خراب نشود.»

سارا کتاب را به خانه برد. وقتی کتاب داستان را خواند، آن را زمین گذاشت و رفت تا کارهای دیگری را انجام دهد. برادر کوچک سارا وقتی کتاب را دید، به سراغ آن رفت و با مداد رنگی‌هایش کتاب را خط‌خطی کرد.



وقتی سارا به اتاق برگشت و کتاب را دید، خیلی ناراحت شد و با برادر کوچکش دعوا کرد. مادر که صدای آن‌ها را شنیده بود به اتاق آمد و وقتی فهمید چه اتفاقی افتاده است، به سارا گفت: «دخترم، تو باید بعد از خواندن کتاب، آن را برمی‌داشتی و در مواظبت از آن بیش‌تر دقت می‌کردی؛ زیرا کتاب فاطمه در نزد تو امانت بود. امانت‌دار خوب کسی است که از چیزی که به او می‌دهند به خوبی مراقبت کند و آن را صحیح و سالم به صاحبش برگرداند.»

سارا که از کار خود پشیمان شده بود، گفت: «مادر جان، حالا چه کار کنم؟ من پیش دوستم شرمنده^۱ می‌شوم.»

مادر گفت: «فردا با هم به کتاب فروشی می‌رویم و تو با پس‌اندازت، یک کتاب مثل آن را می‌خری و به دوستت می‌دهی و از او عذرخواهی می‌کنی.»
از آن روز به بعد، سارا تصمیم گرفت امانت‌دار خوبی باشد.



۱- شرمنده: خجالت زده

سخنی از بزرگان



پیامبر اکرم (ص) فرموده است :
کسی که امانت دار خوبی نباشد، ایمان ندارد.

پاسخ دهید



امانت دار خوب چه کسی است؟

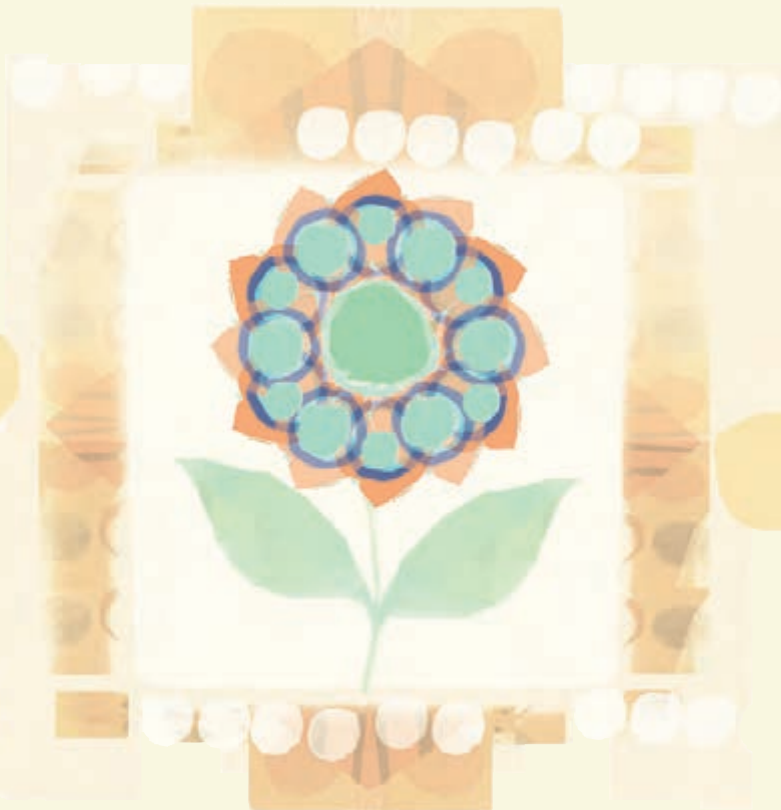
اکنون می توانی بگویی



- تا به حال چیزی را از کسی به امانت گرفته ای؟
- چگونه از امانتی که گرفته ای مواظبت کرده ای؟
- اگر امانتی را نتوانستی سالم به صاحبش برگردانی، چه می کنی؟
- آیا تا به حال چیزی را به کسی امانت داده ای؟
- چیزی را که به کسی امانت داده ای، دوست داری چگونه به تو برگرداند؟

برای خواندن

حضرت محمد (ص) آن قدر درستکار و امین بود که به «محمد امین» معروف شده بود. مردم به او اعتماد داشتند و چیزهای گران قیمت خود را به او می سپردند. حضرت محمد (ص) در نگهداری امانت ها کوشش بسیار می کرد و آن ها را سالم به صاحبانش تحویل می داد. درود و سلام فراوان بر پیغمبر درستکار و امین باد!



فَعَالِيَّتْ پِيشْنَهَادِي مَعْلَم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با هم دعا کنیم

ای خدای مهربان، تو را شکر می‌کنم که به من کمک کردی تا این سال تحصیلی را با موفقیت بگذرانم. از معلم خود سپاس‌گزارم که با مهربانی و دلسوزی به من کمک کرد تا چیزهای زیادی بیاموزم.

خدایا، معلم و پدر و مادرم را همیشه سلامت بدار و به من کمک کن تا با انجام دادن کارهای خوب، دل آنها را شاد کنم و به راهی بروم که رضایت و خشنودی تو در آن است.

آمین یا رب العالمین



